حاشیه‌ها

در نقدِ هیاهو و وفاداریِ نمایشی

دکتر پیمان بخشایش

جراح تروما

MD, PhD, MBA



سخن شاعر

این شعر در نقدِ فراموش کردنِ مسئلهٔ اصلی است: پایان دادن به حکومت جمهوری اسلامی و ساختن ایرانی آزاد و آباد. اختلاف با مسیح علی‌نژاد، حامد اسماعیلیون، مینا احدی، شادی امین، نسرین ستوده، نرگس محمدی یا گلشیفته فراهانی، نباید تمام نیروی ما را در جدال‌های فرساینده مصرف کند.

شاهزاده رضا پهلوی را محور اتحاد می‌دانم؛ اما وفاداری را با کار، شجاعت، دانش و مسئولیت می‌سنجم. هیچ رهبری جای تک‌تک ما کار نمی‌کند. هرکس باید سهم توانایی و امکانات خود را به میدان بیاورد.

مقصد، آزادی و حق انتخاب ایرانیان است؛ و راهِ آبادانی، همراهی و خرد جمعی.

مثنوی حماسی · فعولن فعولن فعولن فعل
۲۱ آبان ۱۴۰۵ · ۱۲ نوامبر ۲۰۲۶
seculardemocraticiran.world
تصویرسازی مفهومی با هوش مصنوعی

از حاشیه تا مسئلهٔ اصلی

بگفتم چرا ما پریشان شدیم؟
به هر سو روان، خسته، بی‌جان شدیم؟

به مذهب ستم را روا کرده‌اند
جوانانِ ما را فدا کرده‌اند

ستمگر به هر سو کمین می‌کند
جوان را به خون بر زمین می‌کند

مخوان هر مخالف عدو در وطن
ستمگر ز ما می‌ستاند سخن

ستمگر بخندد بر این قیل و قال
مبادا بماند وطن در زوال

ستمگر ز دعوا بماند جوان
چرا با جدل خود شویم ناتوان؟

وفاداری در کردار

رها کن جدل را، به میدان درآ
ز دانش، ز همّت، رهی برگشا

نه هر کس که آوای یاری کند
وفا را به کردار جاری کند

وفا را به همّت، به کوشش بسنج
نه با لافِ بسیار و با نام و گنج

نه تعریفِ رخسار، همّت بجاست
بگو سهمِ ما در رهایی کجاست؟

به دانش، به بینش، به همّت گرای
به هر جا که هستی، گره برگشای

یکی با قلم، آن دگر با هنر
بباید که باشد به میهن سپر

برای ایرانِ فردا

یکی ثروتش را به میهن دهد
یکی فکرِ نو را به میدان نهد
نه تنها ز یک تن برآید ظفر
به یاری بیاییم به هر بوم و بر
گزینش به مردم سپاریم کنون
ز صندوق فرمان برآید برون
بیا تا دگر کینه کمتر کنیم
خرد را به دل‌ها تناور کنیم
بیا تا وطن را گلستان کنیم
خرد را به هر خانه مهمان کنیم